



# نقش کنشگران غیررسمی در پاسخ‌دهی به جرایم غیر عمد موجب دیه

مصطفی کافی<sup>1</sup>

محسن شکرچی‌زاده<sup>2</sup>

احمدرضا توکلی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1400/07/06 تاریخ پذیرش نهایی: 1400/11/26

## چکیده

در تعریف موسع از سیاست جنایی بر نقش نهادهای جامعه‌ای در مشارکت با نهادهای رسمی در مقابله با پدیده مجرمانه تأکید گردیده و از این رو سیاست جنایی مشارکتی به معنای مشارکت وسیع نهادهای جامعه‌ای در کنار نهادهای رسمی و دولتی در واکنش به بزه تعریف شده است. دیه در جرایم غیر عمد بیش از آنکه ماهیت کیفری داشته باشد، قالبی است حقوقی جهت پرداخت غرامت و جبران خسارت به بزه دیده، از این رو با توجه به وجود ظرفیت‌های قابل توجه موجود مانند مراجع حل اختلاف اداره کار، هیات‌های بدوی و تجدید نظر نظام پزشکی، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، شوراهای حل اختلاف، مراجع میانجیگر و... می‌توان رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه در جرایم غیر عمد را که مصادیق آن در حوادث ناشی از کار، حوادث ورزشی، حوادث پزشکی و حوادث رانندگی تبلور می‌یابد را با مشارکت نهادهای غیر رسمی و غیر دولتی و به تعبیر علمای سیاست جنایی، نهادهای جامعه‌ای و نه فقط توسط دادگاه به عنوان یک نهاد رسمی دولتی انجام داد که این امر علاوه بر کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری، باعث اجتناب از برچسب زنی، کاهش اطاله دادرسی، قضا زدایی، استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی در حل و فصل اختلافات، تمایل به رویکرد ترمیمی در رسیدگی به بزه و حفظ حقوق هر دو طرف دعوی و برخوردی مناسب و متمایز از سایر مجرمین جرایم عمدی در دادگاه‌ها می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** دیه، سیاست جنایی مشارکتی، مراجع غیررسمی، جرایم غیر عمد.

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران  
kafi.law@gmail.com

<sup>2</sup> استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول): Mohsen.Shekarchi@gmail.com

<sup>3</sup> استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. tavakoli44@yahoo.com

## مقدمه

در نظام حقوقی ایران مقام پاسخ دهنده به بزه، دولت (به معنای دستگاه قضایی) است و معمولاً نهادهای جامعه‌ی در این فرایند فاقد نقش می‌باشند، به عبارت دیگر امکان استفاده از ظرفیت‌های چشم‌گیر نهادهای غیر دولتی در فرایند رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه وجود ندارد و همه بار مسئولیت بر عهده دولت و در معنای خاص، دستگاه قضایی است. لکن چنانچه دیه را پاسخ کاملاً کیفی ندانیم امکان استفاده از ظرفیت نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به اختلافات با موضوع دیه فراهم می‌گردد. در وضعیت کنونی در حوزه تقنین، سیاست جنایی خاصی در مورد این دسته از دعاوی وجود ندارد، به عبارت دیگر تشریفات رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه همانند ضوابط مقرر در رسیدگی به سایر جرایم است، اما با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از این دعاوی عنوان جرم غیر عمد را به خود می‌گیرد. و با توجه به اینکه دیه در حقوق ایران تمامی شرایط پاسخ‌های کیفی را ندارد و فقها و حقوقدانان در بیان ماهیت آن، غلبه را بر غرامت بودن آن دانسته و برخی نیز بر این باورند که دیه دارای ماهیت و ویژگی مخصوص به خود است، و نظر به اینکه در حال حاضر این گونه از پرونده‌ها، بخش قابل توجهی از ورودی دستگاه قضایی را به خود اختصاص داده که معمولاً در پنج دسته از دعاوی با موضوع، ایراد صدمه بدنی غیر عمد در تصادفات رانندگی، ایراد صدمه بدنی غیر عمد در حواشی ناشی از کار، ایراد صدمات بدنی غیر عمد در رفتارهای پزشکی، ایراد صدمه بدنی غیر عمد در حواشی ورزشی و ایراد صدمات بدنی به صورت خطای محض قرار گرفته و نقطه اشتراک همه آنها در عدم وجود قصد و نیت مجرمانه است و آحاد اقشار جامعه صرف نظر از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود در هر لحظه در معرض ارتکاب آن می‌باشند، امکان مشارکت نهادهای جامعه‌ی به عنوان مراجع غیر رسمی به این قسم از پرونده‌ها وجود دارد. از این رو در این مقاله به دنبال بررسی مراجع پاسخ‌دهی غیر رسمی در رسیدگی به جرایم غیر عمد موجب دیه هستیم از این جهت پس از تبیین جایگاه و ماهیت دیه در نظام حقوقی ایران به معرفی مراجع رسمی پاسخ‌دهی و همچنین ظرفیت‌های بالفعل موجود در بین مراجع غیر رسمی و بایسته‌ها و ضرورت‌های مداخله نهادهای غیر دولتی و مشارکت نهادهای مردمی در فرایند رسیدگی به جرایم غیر عمد موجب دیه می‌پردازیم.

## 1- دیه

### 1-1- تحلیل مفهوم شناسی دیه

در قاموس قرآن در تعریف دیه لغوی می‌خوانیم: دیه در اصل ودی است و او آن به هاء بدل شده، علت تسمیه خونبها به دیه آن است که دیه در مقابل ریختن و جاری شدن خون پرداخته می‌شود. طبرسی می‌گوید: وادی کرانه کوه است، مجرای بزرگ آب را نیز وادی گویند. و آن در اصل بزرگی امر است و خونبها را از آن دیه گویند که عطائی است در مقابل امر عظیم یعنی قتل (قریشی، 195:1412). در روایات و کلام عرب، کلمه عقل نیز به جای دیه به کار رفته است و عقل به معنای منع و نهی است و دلیل اینکه دیه را عقل نام نهاده‌اند آن است که وضع دیه مانع می‌شود که مردم همدیگر را به قتل برسانند (زراعت، 27:1381). اما در اصطلاح، بیشتر فقهای امامیه تعریفی از دیه ارائه نداده و بیشتر به مباحث پیرامون آن پرداخته‌اند. به عنوان نمونه در کتاب جواهر نیز در تعریف دیه آمده است: المراد بها هنا المال الواجب بالجناية علی الحر فی النفس أو ما دونها سواء كان له مقدر أولا و إن كان ربما اختصت بالأول و الثاني بالأرش و الحكومة (نجفی، 2:1404) اما شوشتری در تعریف اصطلاحی دیه با اشاره به جایگاه دیه می‌گوید: انما تثبت الدیة بالأصالة فی الخطأ و شبهه، فالأول مثل أن یرمی حیوانا فیصیب إنسانا أو إنسانا معینا فیصیب غیره، و الثاني مثل أن یضرب للتأدیب فیموت (شوشتری، 1406 هـ ق: 318) فقیه دیگر نیز در تعرف دیه با تاکید بر غرامت بودن آن می‌گوید: دیه، غرامه مالیه شرعت کجاء علی ارتکاب الجنایة. (ایروانی، 1427 هـ ق: 335). دکتر گرجی نیز در تعریف دیه آورده است: غرامت‌های مالی را که شخص جانی در جنایت‌های غیر عمد باید بپردازد دیات گویند، همین‌طور در جنایت‌های عمدی در صورتی که مجنی علیه یا اولیاء او به جای قصاص به دریافت غرامت مالی صلح کنند (زراعت، 1381:286) دکتر لنگرودی در تعریف دیه بیان داشته: دیه غرامتی است مالی که بر جنایت حر بر جان مجنی علیه یا اعضای او شرعا مترتب است. اگر شرع مقدار دیه را در هر مورد معین کرده باشد آنرا دیه مقدر نامند. (لنگرودی، 1966:1388) در تعاریف فوق دو نکته قابل توجه وجود دارد: نخست آنکه بنا بر نظر بسیاری از فقها و حقوقدانان دیه ماهیت غیر کیفری داشته و در واقع به منظور پرداخت غرامت و جبران خسارت تعیین می‌شود. و دوم آنکه محل اصلی ثبوت آن در جرایم غیر عمدی است.

## 1-2- جایگاه دیه در قانون و نظام کیفری اسلام

اولین سابقه قانونگذاری دیه به قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب 21 مهر 1361 بر می‌گردد که در آن دیه تنها ماهیت کیفری داشت و قانونگذار در ماده 7 این قانون در تعریف آن آورده بود: دیه جزای مالی است که از طرف شارع برای جرم تعیین شده است. پس از مدتی

قانونگذار در ماده 15 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 دیه را چنین تعریف کرد: دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. اما در نهایت در ماده 17 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 در تعریف دیه مقرر گردید: دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود. در این ماده به صورت صریح و شفاف بیان شده است که دیه برای جنایات غیر عمدی است. و اگر بطور استثناء در مواردی برای جنایات عمدی پیش‌بینی شده باشد برای آن است که به هرجهتی قصاص امکان‌پذیر نیست. (مصدق، 1393:75).

دیه در نظام کیفری اسلام در زیر موضوع ضمان و یا مسئولیت مدنی قرار دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی ضمان به مسئولیت قهری و مسئولیت قراردادی تقسیم می‌گردد، برخی از فقها و حقوقدانان با توجه به گستردگی مفهوم ضمان، ضمان قهری را هم شامل ضمان نسبت به بدن (ضمان النفس) و هم ضمان نسبت به مال دانسته‌اند و از این رو به نظر می‌رسد اطلاق اصطلاح ضمان قهری بر مسئولیت مدنی ناشی از خسارت بدنی (دیه) نیز خالی از ایراد باشد (بادینی، 1392:35). چرا که هر دو (نفس و مال) به واسطه قاعده اتلاف محقق می‌گردند در لسان فقها ضمان دیه بدو چیز است یکی به مباشرت در جنایت، یعنی اینکه بدست خود جنایت کند دوم به تسبیب یعنی بعمل او سببی فراهم شود و آن سبب بی‌مباشرت او موجب قتل یا نقص کسی شود (شعرانی، 1419:781).

اما در خصوص اینکه پرداخت آن از حیث مسئولیت کیفری و یا ضمان و مسئولیت مدنی صورت می‌گیرد در بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر اساسی وجود دارد بدین نحو که برخی دیه را در ماهیت از جمله مجازات‌ها دانسته و برخی نیز ماهیت دیه را خسارت و مانند سایر دیون می‌دانند و در نهایت برخی بر این باورند که دیه عنوان مستقلی است که به لحاظ مورد به یکی شبیه‌تر می‌شود اما در ارزیابی نظریات ارائه شده و نتیجه‌گیری از آن می‌توان گفت: مجازات و بازدارندگی تنها مختص به حقوق کیفری نیست و هدف جبران خسارت نیز همیشه از طریق حقوق خصوصی دنبال نمی‌شود. در مواردی که دیه از بیت المال یا عاقله جبران می‌شود، هدف آن جبران خسارت است اما در این موارد دیه نه جزو حقوق مدنی است و نه حقوق کیفری، بلکه نوع ابتدایی از تامین اجتماعی است که در قلمرو حقوق عمومی قرار دارد و مبنای آن عدالت توزیعی است. در سایر موارد که وارد کننده زیان شخصا مسئول پرداخت است، دیه جزو حقوق خصوصی است و دارای دو هدف است: 1- جبران خسارت زیان‌دیده 2- مجازات وارد کننده زیان

و بازداشتن وی و دیگران از تکرار فعل زیان بار در آینده، زیرا بر خلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود، هدف مسئولیت مدنی تنها جبران خسارت نیست و همواره باز دارندگی و مجازات جزو اهداف مهم مسئولیت مدنی بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. اختلاط حقوق اسلام با حقوق جدید سبب شده است تا برخی از موضوعات در جایگاه مناسب خود مطرح نشوند این وضعیت در قانون مجازات اسلامی بیشتر نمایان است. دیه نیز جزو این موضوعات است که به دلایل زیر ماهیت کیفری ندارد و مربوط به حقوق شهروندان و حقوق خصوصی یا حقوق عمومی بطور کلی است.

ضمانت اجرای کیفری، واکنش دولت به جرم است در حالی که دیه حقی است که یا در نتیجه رابطه متقابل زینبار ناعادلانه بین وارد کننده زیان و زیان دیده در عالم خارج برای وی یا بازماندگانش به وجود می‌آید و در صدد برقراری عدالت بین افراد در روابط خصوصی است و یا بر اساس مقتضیات عدالت توزیعی و معیارهای حاکم بر توزیع در حقوق عمومی به افراد تعلق می‌گیرد و در صدد برقراری عدالت اجتماعی و باز توزیع ثروت و منابع در جامعه است. به دلیل اینکه دیه حقی برای افراد است، نه نوعی ضمانت اجرای کیفری، درخواست دیه منوط به تقاضای دارندگان چنین حقی است و آنان می‌توانند آنرا اسقاط و یا با وارد کننده زیان مصالحه کنند. این که دیه ماهیت کیفری ندارد، به این معنی نیست که ضمانت اجرای ایراد صدمه بدنی تنها پرداخت دیه است. بلکه قانونگذار می‌تواند برای حفظ نظم عمومی بویژه در مواردی که خسارت بدنی ناشی از تقصیر عمدی باشد علاوه بر الزام وارد کننده زیان به پرداخت دیه وی را از طریق ضمانت اجراهای کیفری (حبس، جزای نقدی و . . .) مجازات نیز بنماید (بادینی، 1392: 335-337). نکته دیگر اینکه در نظام حقوقی کنونی رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه در دادگاه‌های حقوقی نیز امکان پذیر است و آن در زمانی است که رسیدگی کیفری به موضوع مطابق ماده 106 از قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 مشمول مرور زمان شده باشد. و بدیهی است چنانچه دیه بطور قطع دارای ماهیت کیفری می‌بود اصولاً امکان مطالبه آن از دادگاه حقوقی میسر نمی‌گشت.

## 2- جایگاه دیه در سیاست جنایی (در تعریف موسع)

در تعریف موسع از سیاست جنایی که توسط دانشمند فرانسوی، استاد می ری دلماس - مارتی، استاد دانشگاه پاریس و مدیر بخش علوم جنایی موسسه حقوق تطبیقی پاریس، در اثری با عنوان (مدل‌ها و جنبش‌ها سیاست جنایی) آمده و از آن به تعریف موسع از سیاست جنایی یاد می‌شود.

سیاست جنایی عبارت است از: مجموعه روش‌ها و آیین‌هایی است که هیات (پیکر) اجتماع با استفاده از آن‌ها، پاسخ‌های مختلف به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد. ویژگی‌های اصلی سیاست جنایی در این تعریف آن است که، 1- پاسخ‌هایی که بر ضد پدید مجرمانه اعمال می‌شود دیگر ماهیتا (کیفری) محض نیستند. یعنی صرفاً از حقوق جزایی و نظام کیفری ناشی نمی‌شوند، بلکه سایر نظام‌های حقوقی نیز به نوبه خود علیه پدید مجرمانه پاسخ‌های خاص خود را دارند که سیاست جنایی از آن استفاده می‌کند، مانند نظام حقوق اداری، نظام حقوق مدنی، نظام حقوق انضباطی-انتظامی، نظام حقوق مالیاتی، نظام حقوق اجتماعی (حقوق کار و تامین اجتماعی)

2- علاوه بر پاسخ‌هایی که دولت، یعنی نهادهای مختلف رسمی (دادگستری، وزارت خانه‌های مختلف، ...) با رعایت تشریفات و آیین‌ها خاص، علیه پدیده مجرمانه اعمال می‌کند، پاسخ‌های منبعث از جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز وجود دارد که به صورت غیر رسمی و با روش‌های مختلف در مدیریت پدیده مجرمانه و پاسخ به آن سهیم می‌شوند. بدین سان دولت در کنار جامعه مدنی به سازماندهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد. 3- پدیده مجرمانه در این دیدگاه جرم و انحراف (کژروی) هر دو را شامل می‌شود زیرا هر دو پدیده نتیجه نقض یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی است، با این تفاوت که اولی نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی است که با توجه به ماهیت آن دارای ضمانت اجرای کیفری، اداری، انضباطی، ... است و دومی عدم هم‌نوایی یا احترام به هنجار فاقد ضمانت اجرای رسمی است. 4- سیاست جنایی با توجه به همین مساله، علاوه بر پاسخ سرکوبگرانه حقوقی-کیفری و غیر کیفری به جرم و صرف نظر از بازدارندگی مجازات‌ها، اقدام‌ها و پاسخ‌های خاص پیشگیرانه‌ایی در مقابل جرم و نیز انحراف که در صورت تداوم منجر به ارتکاب جرم می‌گردد، نیز اعمال می‌کند. (لازرژ، 17:1392) بر مبنای این تعریف اطلاق عنوان جرم بر رفتارهای غیر عمد موجب دیه صحیح نبوده و از این رو لزوماً ضرورتی به پاسخ‌دهی به آن از سوی مراجع رسمی دولتی و آنهم در قالب پاسخ کیفری نبوده و امکان مشارکت نهادهای جامعه‌ی در مراجع پاسخ‌دهی به آن با تدوین الگوی سیاست جنایی مشارکتی وجود دارد. سیاست جنایی مشارکتی یعنی مشارکت وسیع نهادهای جامعه‌ی در کنار نهادهای رسمی و دولتی در واکنش به بزه. کریستین لازرژ در خصوص ضرورت مشارکت جامعه مدنی در فرایند مقابله با بزه می‌گوید: پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا همراه با مشارکت وسیع جامعه مدنی، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی اهرم‌های تقویتی و نهادهای واسط دیگری به غیر از نهاد پلیس یا قوه قضاییه، از یک سو، به منظور اعتبار بخشیدن

به طرح سیاست جنایی که قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تنظیم می‌کند و از سوی دیگر و به ویژه، برای فراهم کردن زمینه اجرای آن، استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها، و شهروندان در ایجاد اجماع حول یا سیاست جنایی ضروری است، پی بردن به اهمیت این موضوع و توجه به آن در عمل، باید به شرکت دادن بیشترین تعداد کنش‌گران در سیاست جنایی، بینجامد. (لازرش، 1392: 164) آنچه مسلم است اینکه مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی در سه سطح قابل تصور و بررسی می‌باشد. نخست در سطح سیاست جنایی تقنین یعنی در فرایند قانونگذاری. دوم در سطح سیاست جنایی قضایی که نمونه بارز آن تشکیل دادگاه‌های عمومی و حضور هیات منصفه در محاکم عینیت یافته است. سوم در سطح اجرایی که در ارتباط با مواجهه با بزه از مرحله کشف، دادرسی و اجرای حکم است که در این مقاله به دنبال بررسی نقش مشارکت نهادهای جامعه‌ای در سیاست اجرایی در مرحله رسیدگی به این دعاوی در مراجع پاسخ دهی به آن هستیم.

### 3- مراجع پاسخ دهی

نظام سیاست‌گذاری جنایی به شکلی مبنایی و ذاتی به حاکمیت سیاسی مستقر در جامعه وابسته و ورود ساختار سیاسی در روند طراحی و تنظیم آن امری غیر قابل اجتناب به شمار می‌رود. با این وجود، همواره باید به این نکته نیز توجه نمود که چگونگی و نیز گستره این مداخله، مقوله عارضی و غیر ذاتی بوده و به همین دلیل، زمینه مناسبی جهت ترسیم بایسته‌ها و الزامات حاکم بر روند یک سیاست‌گذاری کارآمد جنایی به شمار می‌رود. یکی از جلوه‌های مرکب از دو مقوله ذاتی و انتخابی یاد شده را می‌توان در چهار چوب تعیین مراجع مداخله‌کننده در روند طراحی و اجرای سیاست‌های پاسخ‌دهی ملاحظه نمود. اگرچه از یک سو، نظام سیاسی از صلاحیت انحصاری تعیین و ترسیم نهادهای مداخله‌گر در روند سیاست‌گذاری جنایی برخوردار بوده و از سوی دیگر، حضور بخش دولتی در این روند امری غیر انتخابی به شمار می‌رود به نحوی که نمی‌توان شکل‌گیری نظام سیاست‌گذاری جنایی را فارغ از حضور مراجع دولتی متصور گردید (ایروانین، 1392: 302) لکن روشن است که عدم مشارکت‌پذیری از مراجع غیر دولتی در فرایند رسیدگی به برخی از جرایم از جمله جرایم غیر عمد موجب دیه (که آنگونه که بیان شد به لحاظ عدم وجود سوء نیت مجرمانه در مرتکب برای رفتار به وقوع پیوسته اصولاً اطلاق عنوان مجرم بر مرتکب و جرم بر رفتار حادث شده محل تامل است) می‌تواند موجبات تضییع حقوق متهم و همچنین بزه دیده از ابعاد مختلف من جمله بهره‌مندی کامل از حقوق شهروندی و جبران کامل خسارت وارده در غالب پرداخت دیه را فراهم آورد.

تحولات صورت گرفته طی چند دهه اخیر موجب شد تا انحصار مداخله بخش دولتی در روند طراحی و اجرای سیاست‌های پاسخ‌دهی از وصفی ذاتی به مساله‌ای عارضی و انتخابی تبدیل شود. به نحوی که مری دلماس مارتی با بازنگری در مفهوم سیاست جنایی و تعریف آن به عنوان ((مجموعه روش‌هایی که هیات (پیکره) اجتماع با استفاده از آنها پاسخ‌های به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد))، صلاحیت و شایستگی نهادهای غیر دولتی در جهت ورود به گستره ی سیاست جنایی را به عنوان واقعیتی ملموس مورد پذیرش قرار داد. هرچند که تعریف یاد شده ناقص بوده و با منحصر نمودن دامنه نهادهای غیر دولتی به (جامعه مدنی نظیر نظام‌های صنفی، انجمن‌ها، سندیکاها و . . ) مداخله بخش خصوصی در این حوزه به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، لیکن توسعه دامنه مراجع سیاستگذار به سطح نهادهای یاد شده، به معنای خروج مفهومی مقوله سیاست جنایی از انحصار بخش دولتی و قرار گرفتن این مساله در دامنه‌گزینه‌های فرا روی نظام‌های سیاسی بود. (ایروانیان، 1392:303)

### 3-1- مراجع رسمی (قضایی)

همانطور که گفته شد یکی از عناصر اصلی و سازنده سیاست جنایی، نهاد دولت می‌باشد. در واقع یکی از فعالان و بازیگران اصلی در عرصه مجموعه استراتژی‌ها و برنامه‌های حقوقی-اجتماعی موجود که به سیاست جنایی تعبیر می‌گردند، دولت است که هم در سطح وسیعی سیاستگذار و مجری این برنامه‌ها بوده و هم اینکه به نحو قابل ملاحظه ای وظیفه حمایت از آن‌ها را برعهده دارد. مداخله دولت به مفهوم مدرن و امروزی آن، در عرصه سیاست جنایی یکسان نیست و این مساله به ساختار و قلمرو قدرت دولت‌ها بستگی دارد. (کونانی و همکاران، 1391:68).

### 3-2- مراجع غیر رسمی (غیر قضایی)

از دیگر عناصر سیاست جنایی، جامعه مدنی می‌باشد که در تعریفی موسع به کلیه اجزاء و ساز و کارهای غیردولتی در هر نظام اجتماعی و هر آنچه در چهارچوب قدرت و تحت سیطره دولت نباشد اطلاق می‌گردد که به موازات نظام کنترل رسمی و مخصوصا نهاد دولت، ایفای نقش می‌نماید. مفهوم جامعه مدنی از گستردگی خاصی برخوردار است و لذا شامل محیط‌های خانوادگی و شخصی، انجمن‌های مردم نهاد، سندیکاها، نظام‌های صنفی و . . . می‌گردد. سازمان‌های جامعه مدنی که شامل سازمان‌های داوطلب غیر دولتی یا تشکل‌های دولتی و سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد، می‌تواند در برگیرنده اصناف، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های



مردمی و تعداد زیاد دیگری از عناصر غیر دولتی باشد که ممکن است در فعالیت‌های خدمتی، حمایتی و غیره مشغول باشند. (کونانی و همکاران، 1391:70) جامعه مدنی جزئی از هیات اجتماع است که در پاسخ‌های آن به پدیده مجرمانه-عمدتا در حوزه انحراف سهیم می‌شود، شاید یکی از مصادیق اصلی ورود نهادهای جامعه‌ی در نظام پاسخ دهی به جرایم غیر عمد موجب دیه باشد زیرا به دلیل فقدان سوء نیت و قصد مجرمانه در این رفتارها، اطلاق عنوان جرم بر رفتار و مجرم بر مرتکب آن صحیح نیست فلذا به نظر می‌رسد ضرورتی بر نظام پاسخ دهی کاملاً دولتی به این قسم جرایم وجود ندارد.

**3-3- مراجع پاسخ دهی رسمی به جرایم غیر عمد موجب دیه در نظام حقوقی کنونی**  
در حال حاضر تنها مرجع رسمی پاسخ‌دهی به جرایم غیر عمد موجب دیه در مقام تعقیب، تحقیق و اجرای رای، دادسراهای عمومی و انقلاب و در جایگاه رسیدگی و صدور رای، محاکم کیفری دو می‌باشند.

**3-4- ظرفیت‌های موجود در مراجع غیر رسمی (غیر دادگستری) برای پاسخ‌دهی به جرایم غیر عمد موجب دیه در نظام حقوقی کنونی**  
**3-4-1 شوراهای حل اختلاف**

صرف نظر از اینکه به موجب ماده 11 قانون شوراهای حل اختلاف مصوب 1394 در کلیه جرایم قابل گذشت مرجع قضایی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، موضوع را برای یک بار به مدت سه ماه به شورای حل اختلاف ارجاع دهد.

و هرچند به موجب ماده 8 قانون شوراهای حل اختلاف، شورای حل اختلاف با تراضی طرفین صلاحیت صلح و سازش بین طرفین در کلیه جرایم قابل گذشت و همچنین جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت را دارد، براساس بخشنامه شماره 9000/63940/100 مورخ 1398/5/28 رئیس قوه قضاییه که از آن می‌توان به عنوان یکی از مصادیق تدوین سیاست جنایی افتراقی و مشارکتی در موضوع مورد بحث یاد کرد، به نوعی صلاحیت شوراهای حل اختلاف در امر سازش افزایش یافته، کلیه مراجع قضایی مکلف گردیده اند در جرایم قابل گذشت قبل از ثبت پرونده در دادسرا و بدون اعلام رضایت یا درخواست اصحاب دعوی پرونده را جهت میانجیگری و ایجاد صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارسال نمایند و نکته قابل توجه اینکه

در صورت حصول سازش، مراتب سازش طرفین و گذشت شاکی صورتمجلس شده و پرونده بدون نیاز به ارسال به دادسرا در شورا بایگانی می‌شود و در این صورت دادسرا با تکلیفی مواجه نیست.

### 3-4-2- داوری

با مروری بر تاریخ در می‌یابیم، از اقداماتی که در کنار تشکیل خانه‌های انصاف در دوره پهلوی دوم در جهت واگذاری امور قضایی به مردم صورت گرفت، تشکیل شوراهای داوری بود. شوراهای داوری مراجع شبه قضایی مردمی بودند که در مناطق شهر نشین فعالیت می‌کردند و به موجب قانون مصوب 1345 شوراهای داوری به وجود آمدند. قانون مذکور در سال 1348 اصلاح شد و برخی مواد آن تغییر یافت. قانون تشکیل شوراهای داوری در خرداد ماه 1356 با تغییرات بنیادینی مواجه شد و با تصویب قانون جدید قوانین سابق منسوخ اعلام شدند. در این قانون حوزه اختیارات شوراهای داوری بسیار گسترده شده بود. رسیدگی به دعاوی در شورا بدون تشریفات و رعایت آیین دادرسی و به صورت مجانی و وظیفه نظارت بر حسن جریان امور شوراها با ریس دادگاه شهرستان محل بود. در این شوراهاسعی بر این بود که در صورت امکان دعاوی به صلح و سازش خاتمه پیدا کنند. آرای این شوراها قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه‌های شهرستان و یا دادگاه بخش مستقل حوزه شورای داوری بود. شوراهای داوری در دعاوی مدنی و کیفری نه چندان پر اهمیت دارای صلاحیت بودند. (جمشیدی، 1390: 168) هرچند در حال حاضر امکان استفاده از نهاد داوری در امور کیفری نیز چنین برداشت می‌شود که داوری در امور کیفری ممنوع است لکن با توجه به شباهت‌های بسیار زیاد بین نهاد داوری و میانجیگری به نظر می‌رسد لازم است امکان ارجاع دعاوی کیفری خصوصا در مواردی مانند جرایم غیر عمد موجب دیه که آنچنان که گذشت بیشتر دارای جنبه حقوقی است تا کیفری، به عنوان یکی از راهکارهای سرعت بخشیدن به حل و فصل اختلافات، به عنوان یکی از جلوه‌های آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی در موضوع مورد پژوهش فراهم شود.

### 3-4-3- میانجیگری

بر اساس بند ث از ماده یک آیین نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب 1395، فرایند میانجیگری مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیرین میانجیگر و با حضور بزه دیده و متهم

و در صورت ضرورت سایر اشخاص موثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آنان و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذی ربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته و در صورت حصول توافق، صورت مجلسی تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود. میانجیگری در حقوق در دو معنا استفاده می‌شود نخست در معنای عام که در واقع شامل مصالحه و داوری است و در معنای خاص که به معنای فرایندی است که در آن شخص بی طرف از طریق مذاکره و گفتگو بین طرفین دعوی به آنها فرصت می‌دهد تا با یکدیگر مواجه شده و در مورد عواقب جرم به یک راهکار مرضی الطرفین دست یابند. تفاوت داوری با میانجیگری در معنای خاص در این است که اولاً موضوع داوری اثبات تقصیر طرفین است حال آنکه میانجیگری کیفری با فرض پذیرش مسئولیت ناشی از رفتار بزهکار شروع می‌شود ثانیاً ماهیت اختلاف در داوری امور حقوقی است لکن ماهیت اختلاف در میانجیگری امور کیفری است. (زید شفیع، 1386: 96 و 101) در هر حال میانجیگری به عنوان یکی از فرایندهای غیر رسمی حل اختلافات بوده و از این رو به عنوان یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی محسوب می‌گردد. قانونگذار ایران برای اولین بار با تاسی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (مواد 1-41 و 2-41 قانون آیین دادرسی کیفری) در راستای تحقق توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در ماده 82 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 تحت شرایط قانونی درخواست مهلت از سوی متهم و میانجیگری را جهت صلح و سازش بین طرفین کیفری پذیرفت (گلدوست جویباری، 1396: 104) قانونگذار در این ماده در جرایم تعزیری درجه 6 و 7 و 8 ارجاع پرونده به شخص یا موسسه ای برای میانجیگری برای حصول سازش بین طرفین را تجویز نموده است.

### 3-4-4- مراجع حل اختلاف اداره کار

مطابق ماده 157 قانون کار، هر گونه اختلاف فردی بین کارفرما و کارگر یا کارآموز که ناشی از اجرای قانون و سایر مقررات کار، قرارداد کارآموزی، موافقت نامه‌های کارگاهی یا پیمان‌های دسته جمعی کار باشد، در مرحله اول از طریق سازش مستقیم بین کارفرما و کارگر یا کارآموز و یا نمایندگان آن‌ها در شورای اسلامی کار و در صورتی که شورای اسلامی کار در واحدی نباشد، از طریق انجمن صنفی کارگران و یا نماینده قانونی کارگران و کارفرما حل و فصل خواهد شد و در صورت عدم سازش، از طریق هیات‌های تشخیص و حل اختلاف رسیدگی و حل و فصل خواهد شد. مراجع حل اختلاف مستقر در اداره کار از حیث ساختار و آیین دادرسی شباهت بسیاری با

مراجع قضایی دارند به عنوان مثال رسیدگی به موجب تقدیم دادخواست آغاز و تشریفات رسیدگی نیز مشابهت قابل توجهی با مراجع دادگستری دارند و شامل شورا‌های اسلامی کار، هیات‌های تشخیص و هیات‌های حل اختلاف می‌باشد. به نظر می‌رسد این مرجع غیر قضایی به لحاظ حضور نماینده کارگران و کارفرمایان و همچنین حضور عضو قضایی در مرحله تجدیدنظر و در اختیار داشتن بارزسین کار و مامورین تحقیق مستقر در اداره کار و همچنین تعامل کامل با سازمان تامین اجتماعی علاوه بر صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین کارگر و کارفرما ناشی از قانون کار، از ظرفیت رسیدگی به برخی وقایع حادث شده در کارگاه مانند جرایم غیر عمد ناشی از حوادث کار نیز برخوردار می‌باشند.

### 3-4-5- مراجع انتظامی سازمان نظام پزشکی

هرچند تشکیل مراجع انتظامی سازمان نظام پزشکی به منظور تحقیق و کشف تخلفات و تعقیب متخلفین و اقامه شکایت انتظامی و صدور حکم در این زمینه است، اما با توجه به ساختار تشکیلاتی آن که منبث از ساختار مراجع کیفری قضایی است و همچنین ترکیب اعضای آن که علاوه بر حضور عضو قضایی از تمام تخصص‌های مورد نیاز نیز برخوردار است این ظرفیت یا قابلیت را به وجود آورده تا بتواند به عنوان مرجع رسیدگی کننده جرایم غیر عمد ناشی از حوادث پزشکی نیز در سابه تدوین یک سیاست جنایی مشارکتی با مراجع رسمی فعلی همکاری نماید. لازم به ذکر است در حال حاضر نیز یکی از وظایف این مراجع ارائه پاسخ استعلام‌های قضایی در خصوص جرایم پزشکی است. این مراجع شامل: 1- دادسرای انتظامی سازمان نظام پزشکی 2- هیات بدوی انتظامی رسیدگی به تخلفات پزشکان 3- هیات تجدیدنظر انتظامی استان 4- هیات عالی انتظامی است که حدود اختیارات و صلاحیت آنها بر اساس آیین رسیدگی دادرها و هیات‌های انتظامی نظام پزشکی و قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است.

### 3-4-6- صندوق تامین خسارت بدنی

از ماده‌ی ۲۱ قانون جدید بیمه‌ی اجباری مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ و آیین‌نامه‌ی اداره‌ی صندوق چنین برمی‌آید که صندوق تامین خسارت‌های بدنی یک نهاد عمومی غیر دولتی مستقل بیمه‌ای است که با هدف تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از زیاندیدگان حوادث رانندگی که به دلایلی امکان دریافت خسارت از مقصر حادثه یا شرکت بیمه را ندارند تشکیل شده است. صندوق

تامین خسارت بدنی حتی بدون صدور حکم از سوی مرجع قضایی به صورت مستقیم نسبت به پرداخت دیه متعلقه بر اساس نظریه پزشکی قانونی و کارشناس تصادفات پلیس رانندگی اقدام می‌نماید با این توضیح به نظر می‌رسد با تشکیل هیاتی مرکب از پزشکی قانونی، پلیس راهنمایی و رانندگی، نماینده شرکت مربوط و نماینده صندوق تامین خسارات بدنی امکان تصمیم‌گیری کامل در مورد کلیه پرونده‌های با موضوع ایراد صدمه بدنی غیر عمد ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی و همچنین اتخاذ تصمیم در خصوص جنبه خصوصی بزه قتل غیر عمد ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی از باب تعیین تکلیف در مورد دیه متعلقه بودن تشکیل پرونده در مرجع قضایی و اصابت برچسب مجرم بر مرتکبین این قسم رفتارهای غیر عمد و جبران خسارت سریع و کامل خسارت دیده در سایه تدوین سیاست جنایی افتراقی و مشارکت نهادهای غیر رسمی در فرایند پاسخ دهی به این گونه دعاوی وجود دارد. نکته قابل توجه اینکه در کشور فرانسه نیز به منظور جبران خسارت در تمام موارد، در حوادث رانندگی، شکار و عملیات تروریستی صندوق تضمین (تامین) خسارت وجود دارد. (بزرگمهر، 1394: 224)

### 3-4-7- شرکت‌های بیمه

به نظر می‌رسد شیوه جدید قرارداد ضامن جریره را در قراردادهای بیمه امروز دانست زیرا در این قراردادها بیمه‌گر در ازای مبلغی که به عنوان حق بیمه از بیمه‌گذار می‌گیرد پرداخت خسارات وارد شده توسط وی را در مواردی (مطابق قرارداد) بر عهده می‌گیرد که یکی از این خسارات، دیه به عنوان یک خسارت بدنی است. (بابائی، 8، 1394) با توجه به وجود الزامات قانونی و همچنین وجود صندوق تامین خسارت‌های بدنی جهت تحت پوشش قراردادن مواردی که خارج از تعهدات شرکت‌های بیمه گر است و با در نظر گرفتن این موضوع که ماحصل قوانین موضوعه فعلی ضرورت جبران کامل خسارات بزه دیده موضوع جرایم غیر عمد موجب دیه ناشی از بی‌احتیاطی در امور رانندگی است و با توجه به ظرفیت شرکت‌های بیمه و صندوق تامین خسارت بدنی این امکان وجود دارد که کلیه پرونده‌های موضوع حوادث رانندگی جهت محاسبه و پرداخت دیه به شرکت‌های بیمه با محوریت مرجعی مانند بیمه مرکزی یا صندوق تامین خسارت بدنی ارجاع گردد. و آنگونه که در تبصره 1 ماده 15 قانون بیمه مصوب 1316 بیمه آمده است جز در موارد اختلاف بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر و یا مسبب حادثه و یا زیان‌دیده از ورود این قسم پرونده‌ها به دستگاه قضایی خود داری شود.

### 3-4-8- پزشکی قانونی

در حقیقت پزشکی قانونی چراغی تابناک فرا راه قضات است تا با استفاده از آن، از پیچ و خم‌ها، فراز و نشیب‌ها و تنگناها بگذرند و به مقصد خود که رسیدن به اطلاعات دقیق و صحیح و کامل برای تعیین سرنوشت متهم است برسند. قوانین مجازات اسلامی اهمیت ویژه‌ای به معاینات پزشکی قانونی می‌دهد، بطوری که قاضی با ملاحظه نظریه پزشکی قانونی درباره نوع ضرب و جرح و عمق و ضایعات ناشی از آن، حکم به پرداخت دیه یا سایر خسارات را صادر می‌کند. در این موارد گواهی‌های صادره اثری قاطع در نحوه صدور احکام دارند (گودرزی و همکاران، 19:1386) در بین تمام مراجع رسمی و غیر رسمی یاد شده در رسیدگی به پرونده‌های جرایم غیر عمد موجب دیه، پزشکی قانونی دارای نقش موثر و جایگاه ثابت در تشخیص نوع صدمات و جراحات وارده و تعیین ارزش متعلقه می‌باشد فلذا در صورت امکان تشکیل مرجع غیر رسمی پاسخ دهی به این قسم از دعاوی یقیناً پزشکی قانونی از اعضای ثابت و اصلی آن خواهد بود از این رو می‌تواند به عنوان محور اصلی مراجع غیر رسمی در پاسخ دهی به جرایم غیر عمد موجب دیه در تدوین سیاست جنایی افتراقی- مشارکتی در موضوع در نظر گرفته شود.

#### 4- بایسته‌های جایگزین‌های کنشگران رسمی در تعقیب و رسیدگی کیفری در دیات

با توجه به مطالب بیان شده ضرورت مشارکت نهادهای مدنی در رسیدگی به جرایم غیر عمد با موضوع دیه احساس می‌گردد زیرا اصولاً از حیث ماهیت رفتار (بزه)، اطلاق عنوان جرم بر اینگونه رفتارها به لحاظ عدم وجود رکن معنوی از حیث ساختاری صحیح بنظر نمی‌رسد هرچند که رفتارهای منجر به ایراد آسیب‌های بدنی غیر عمد به نوعی در اثر مخالفت آشکار با هنجارهای اجتماعی به وقوع می‌پیوندد لکن به نظر می‌رسد عنوان انحراف بر اینگونه رفتارها از حیث مفاهیم بیان شده در دانش سیاست جنایی تطابق بیشتری خواهد داشت در واقع جرایم غیر عمد موجب دیه در دو دسته کلی قرار می‌گیرند. نخست رفتارهایی که از نقض ضوابط و مقررات نشات می‌گیرد که در این گروه می‌توان به ایراد صدمه بدنی غیر عمد ناشی از بی احتیاطی در رانندگی، حوادث ناشی از کار، حوادث پزشکی و حوادث ورزشی اشاره کرد که در تمام این موارد هرچند مرتکب قصد ورود خسارت را نداشته است لکن عدم رعایت نظامات موجبات اضرار به دیگری را فراهم کرده است. دسته دوم از رفتارهای غیر عمد منجر به دیه رفتارهایی است که مرتکب نه قصد فعل داشته و نه قصد نتیجه، در واقع علی‌رغم رعایت ضوابط و نظامات موجبات آسیب و صدمه بدنی به دیگری فراهم شده است در حقوق جزا به این قسم از رفتارها خطای محض می‌گویند. از حیث بزهکار و مرتکب آن نیز نمی‌توان عنوان مجرم را به آسانی بر مرتکب

و یا مسئول نهایی در پرداخت دیه که گاهی صغیر، مجنون و گاهی عاقله و دولت است بار نمود. لذا ضروری است تا تعقیب و رسیدگی به این قسم از دعوی به شکلی افتراقی و بدور از ضوابط مقررات جاری در مورد سایر جرایم انجام پذیرد و یکی از مصادیق دادرسی افتراقی جایگزینی نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به موضوع به جای کنشگران رسمی آن (دادگاه) می‌باشد. از جمله بایسته‌های جایگزین‌های کنشگران رسمی در تعقیب و رسیدگی کیفی در جرایم غیر عمد موجب دیه می‌توان به: الف) اجتناب از برجسب زنی ب) استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی در حل و فصل اختلافات ج) کاهش اطلاع دادرسی د) قضا زدایی ه) کاهش هزینه‌های دستگاه قضایی ز) تمایل به رویکرد ترمیمی در رسیدگی به بزه ح) تخصصی بودن موضوع و) ضرورت جبران خسارت کامل بزه دیده، اشاره کرد.

## 5- ضرورت مداخله‌ی نهادهای غیر دولتی و مشارکت نهادهای مردمی در فرآیند رسیدگی به جرایم

در این قسمت به صورت مختصر به نکاتی خواهیم پرداخت، که نشانگر ضرورت و اجتناب ناپذیر بودن مداخله جامعه در فرآیند رسیدگی کیفی می‌باشند؛ این امور بیشتر معطوف به برطرف نمودن کاستی‌های غیر قابل انکار مراجع پاسخ دهی رسمی - دولتی هستند.

5-1- کاربرد سیاست جنایی مشارکتی در تعدیل اهداف کیفی: به‌طور کلی واکنش اجتماع به بزه گاه به شکل اقدامات سرکوبنده و گاه در قالب اقدامات پیش‌گیرنده است، که در حالت اول اهدافی از اعمال و اجرای مجازات‌ها مد نظر است عبارت‌اند از: 1- ارباب: 2- اصلاح بزهکار: 3- سزا دادن 4- حمایت از جامعه 5- جلب رضایت مجنی علیه. در حال حاضر و بدور از مشارکت جامعه مدنی در مواجهه با جرایم و به لحاظ کثرت پرونده‌های کیفی در مراجع رسمی پاسخ به بزه (دادگاه) در اکثر موارد با تعیین کیفر نهایتاً یک یا دو هدف از اهداف اصلی مجازات‌ها اجرا می‌گردد. و این درحالی است که مقوله اصلاح بزهکار یا عدالت ترمیمی و همچنین حمایت جامعه و جلب رضایت بزه دیده در اکثر موارد جز با مشارکت جامعه مدنی در فرآیند رسیدگی و اجرای مجازات امکان‌پذیر نمی‌باشد. به تعبیر کریستین لازرژ: اصطلاح سیاست جنایی مشارکتی تمام معنا و مفهوم خود را با همجواری زمانی و مکانی کنشگران پیشگیری، سرکوبی و بازپذیری اجتماعی بزهکار و نیز پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی به پدیده مضاعف انحراف و بزهکاری پیدا می‌کند. (لازرژ، 1392: 182) از جمله مزایای اجرای عدالت توافقی می‌توان به قضا زدایی و کاهش هزینه‌های دادرسی اشاره کرد. در حقیقت بسیاری از برنامه‌های عدالت ترمیمی به طور

مشخص با هدف برگرداندن بزه‌کار و بزه دیده از دادرسی رسمی به به یک روش کم هزینه منعطف تر و به دور از خشونت‌های دادرسی عادی است. تونی مارشال در سال 1998 طی مقاله ای در انگلستان اعلام کرد، در حالی که هزینه تعقیب، دادرسی و اعمال مجازات و اقدامات اصلاحی و تربیتی برای هر پرونده در ولز جنوبی 2500 دلار بوده، این هزینه در پرونده‌های احاله شد به مرکز عدالت جامعوی نیو ولز جنوبی در حدود 500 دلار بوده است. (خانی، 1390: 121)

5-2- طرفداران عدالت ترمیمی بر این عقیده‌اند که عدالت ترمیمی و غیررسمی به نسبت عدالت استحقاقی، شانس بیشتری برای دسترسی عادلانه به فقیر و غنی می‌دهد. درست است که از فرآیند غیردولتی هم ممکن است همین سوء استفاده‌ها بشود، اما شرکت کنندگان در یک فرآیند غیردولتی، به نسبت شهروندانی که به دادگاه‌های می‌روند، شاید بیشتر باورداشته باشند که نظام عدالت، حقوقشان را رعایت کرده است. (بریث ویت، 1385: 563-562). بنابراین اجراء فرایندهای غیررسمی از این جهت نیز ضرورت دارند، که احساس خوشایند برابری در اجرای مجازات و عدالت محور بودن دستگاه قضایی را، در جامعه نهادینه می‌کنند. (بریث ویت، 1385: 564).

5-3- گاهی اتفاق می‌افتد که بزه‌کار در شرایطی مرتکب جرم می‌شود، که هیچ یک از عوامل و علل رفع مسئولیت و معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات، وجود ندارد؛ اما شرایط بزه‌کار به گونه‌ای است، که ارتکاب جرم از سوی وی، قبح و سرزنش پذیری عادی را ندارد، به عنوان مثال، وی در چنان فقر مادی و اقتصادی ای به سر می‌برد، که مجازات، با هر فلسفه ای - برایش غیرمفید و یا حتی ناعادلانه است؛ از سوی دیگر، حق بزه دیده نیز نباید پامال شود، در چنین شرایطی اجراء عدالت کیفری خشک و انعطاف ناپذیر دولتی، سودی در پی ندارد، نه برای طرفین، و نه برای جامعه. در این حالت، پیامدهایی که جرم ارتکابی برای طرفین درگیر در جرم به دنبال داشته است، بدون تسهیل مشارکت آنها در رسیدگی به آن جرم، حل و فصل نخواهد شد (مارشال، 1384: 95). موضوع مورد بحث نیز از مصادیق این تحلیل است زیرا از طرفی شخصی که به صورت غیر عمد و ناخواسته موجب ورود صدمه به دیگری را فراهم کرده است ناگزیر از پرداخت غرامت و جبران خسارت خواهد بود، چرا که نباید خسارت وارده به بزه دیده بدون جبران بماند. از سوی دیگر هر چند رفتار مرتکب غیر عمد بوده لکن در هر حال این رفتار در قانون واجد وصف کیفری است. از دیگر سو جامعه ارتکاب چنین جرایمی را قبیح نمی‌داند چرا که مرتکبین آن همه آحاد جامعه در تمام طبقات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. فلذا همانطور که گفته



شد درچنین شرایطی اجراء عدالت کیفری خشک و انعطاف پذیر دولتی، نه برای طرفین، و نه برای جامعه سودی در پی ندارد، و بهترین راه کار ارجاع موضوع به خود جامعه و در واقع مشارکت نهادهای جامعه در نظام پاسخ دهی به این قسم از دعاوی است.

4-5- اعمال روش‌های غیردولتی و مبتنی بر مشارکت جامعه، برای پیشگیری از جرم ضرورت دارد. پیشگیری از جرم مشروط به این است که جامعه مسئولیت‌هایی را در قبال جرم واقع شده بپذیرد. به طوری که وسایل جبران خسارت از آثار و عواقبی که جرم ارتكابی ایجاد کرده است را فراهم کند. (مارشال، 1384: 95) تاکید بر نقش جامعه در پیشگیری از جرم، از آن جهت است که بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی است، که وقوع آن بیش از هر چیز به علت شرایط مساعدی بوده که جامعه در اختیار بزهکار قرار داده است؛ بنابراین مشارکت جامعه برای مهار آن ضروری است.

5-5- افزایش امنیت و کاهش پدیده‌های مجرمانه، بدین توضیح که در حکومت‌های سالم، شرکت و مداخله سازنده مردم در فعالیتهای سیاسی-اجتماعی نشانه اعتماد آنان به حاکمیت و موجب تقویت توان اجرایی در زمینه‌های مختلف و از جمله تامین امنیت عمومی است. از این رو با ایجاد و تعبیه بسترهای مناسب جهت مشارکت مردمی احتمال رخداد تنش و اغتشاشات در اثر اصطکاک و برخورد منافع گروهی کاهش یافته و بر میزان وفاق و همبستگی ملی افزوده می‌گردد (جمشیدی، 1390: 93)

5-6- جلوگیری از انتقال و افزایش نظارت همگانی بر نهادهای اجرایی بدین شرح که، در بررسی تاریخ اجتماعی ایران این حقیقت کاملاً مشهود است که در هر مقطع که جنب و جوش اجتماعی در کشور نضج گرفت از میزان جرایم اجتماعی به شکل محسوسی کاسته شد و فضای نسبتاً سالمی برای جامعه حاکم گشت که در سایه آن وفاق ملی تقویت شده و در راستای همکاری با دولت در تامین همگانی بکار گرفته شده است. در حالت عکس نابسامانی اجتماعی تشدید و با رانده شدن جامعه به سوی غیر سیاسی شدن از ضریب امنیت عمومی به شدت کاسته شده است. (جمشیدی، 1390: 95)

5-7- رسیدگی‌های دولتی، بیشتر از آنچه برای فهم مبانی جرم و علل وقوع آن مفید باشند، در جهت پاسخ دهی به جرم با کیفر هستند، تا از این طریق نظم اجتماعی را حفظ کنند. حتی اگر دادرسی جدای از این مطلب به دنبال راهکاری برای مبارزه با بزه باشد، تورم کاردر محاکم کیفری، چنین مجالی را برای وی باقی نمی‌گذارد؛ به همین علت، رسیدگی رسمی فاقد اثر عملی بر مهار بزهکاری هستند؛ زیرا امکان بررسی علل در هر مورد وجود ندارد. اما عدالت ترمیمی ما را

بر آن می‌دارد، تا علل مبنایی خشونت و جرم را بررسی کنیم، تا بتوانیم چرخه خشونت را متوقف بنماییم. (مایز، 1384: 38).

## 6- موانع و محدودیت‌ها

هرچند از سوی حقوقدانان موانعی پیش روی مشارکت نهادهای غیر دولتی با دولت در فرایند رسیدگی به پرونده‌های کیفری بر شمرده شده است لکن به نظر می‌رسد دو مانع اصلی در راستای عینیت یافتن مشارکت نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری به شرح زیر باشد.

### 6-1- عدم وجود زیر ساخت‌های قانونی مناسب

هر چند در حال حاضر جلوه‌هایی از مشارکت نهادهای مدنی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری مشاهده می‌گردد و نهاد هایی با ظرفیت رسیدگی به این قسم از پرونده‌ها مانند شورای حل اختلاف، ستاد دیه، مراجع رسیدگی کننده به اختلافات کارگری، هیات‌های رسیدگی به تخلفات پزشکی، کمیسیون‌های مختلف رسیدگی به تخلفات ورزشی، صندوق تامین خسارت‌های بدنی وجود دارند، با این وجود مهمترین مانع پیش رو مشارکت نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به پرونده‌های با موضوع دیه در جرایم غیر عمد فقدان زیرساخت‌های قانونی جامع و مانع در این زمینه است. زیرا در وضعیت کنونی نقش نهادهای مدنی و جامعه‌ی در سیاست جنایی ایران مشخص نیست.

### 6-2- مقاومت احتمالی مقامات سیاسی و حاکمیتی

زیرا رابطه میان قدرت گرفتن نهادهای مشارکتی و دولت معکوس است به نحوی که تقویت مشارکت نهادهای مدنی در فرایند کیفری موجب تضعیف تسلط دولت در پاسخ گویی به بزهکاری می‌شود. از آنجا که یکی از ابزارهای کسب مشروعیت دولت‌ها توسل به حقوق کیفری است، سیاسیون در مقابل پذیرش فرایندهای غیر رسمی مقاومت خواهند نمود. علاوه بر این مدل‌های کیفری دولتی از لحاظ اقتصادی به نفع دولت‌ها هستند (دریافت هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی و... ) و بدیهی است چشم پوشی از این درآمد از سوی مقامات عمومی امری دشوار است. (صیدی، 1389: 140)

## 7- جلوه‌ای از جایگزینی کنشگران غیررسمی در شیوه نامه فرایند رسیدگی به پرونده‌های تصادفات رانندگی

بازیگران اصلی عدالت ترمیمی عبارتند از بزه دیده، بزه‌کار و جامعه محلی. در این میان شوراهای حل اختلاف با ترکیبی از جامعه محلی به عنوان یک کنشگر غیررسمی فعالیت می‌کنند (شیری، 1397، 350) به نوعی حل اختلاف شهروندان با خود شهروندان است. توضیح آنکه، یکی از بایسته‌های مهم ضرورت جایگزینی کنشگران غیر رسمی با مراجع پاسخ دهی رسمی در تعقیب و رسیدگی به جرایم غیر عمد موجب دیه، قضا زدایی است. قضا زدایی و کیفر زدایی به شکل‌های متعددی (یعنی تقنینی، قضایی و اجرایی) رخ می‌دهد. گاه قانونگذار برای پاسخ دهی به شماری از گونه‌های بزهکاری مجازات را کنار می‌گذارد و گاه مقام قضایی و مجریان عدالت کیفری در این جهت گام بر می‌دارند. به این ترتیب کیفر زدایی ساز و کاری است که پاسخ دهی به گونه‌های بزهکاری را به دیگر شبکه‌های حقوقی و نیز شبکه‌های جامعه‌ی واگذار می‌کند. (نیازپور: 76، 1392) در واقع مراد از قضا زدایی خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری از گردانه اقدامات رسمی است (صادقی، 1384، 148) یکی از مصادیق تحقق قضا زدایی در موضوع مورد بحث، در شیوه نامه فرایند رسیدگی به پرونده‌های تصادفات رانندگی در شوراهای حل اختلاف مصوب آذر ماه 1400 در دادگستری کل استان اصفهان تبلور یافته است که از آن می‌توان به عنوان یکی از جلوه‌های جایگزینی کنشگران غیر رسمی به جای کنشگران دولتی در رسیدگی به جرایم غیر عمد موجب دیه در تصادفات رانندگی نیز نام برد.

در مقدمه این شیوه نامه در هدف از تدوین آن آمده است: در راستای طرح تحول قوه قضاییه و سیاست‌های قضا زدایی و جلوگیری از برچسب زنی و جبران خسارت سریع زیان دیدگان از سوانح رانندگی و تعیین تکلیف فوری طرفین و کاهش پرونده‌های وارده به دادگستری به منظور ایجاد رویه واحد در رسیدگی به پرونده‌ها تصادفات رانندگی، به منظور تغییر فرآیند رسیدگی از دادگستری به شوراهای حل اختلاف و ایجاد رویه صحیح شیوه نامه فرایند رسیدگی به پرونده‌های تصادفات با رعایت مقررات قانونی تدوین گردید.

مطابق ماده 3 شیوه نامه فرایند رسیدگی به شکایت‌های تصادفات رانندگی به روش ذیل انجام خواهد شد:

1- ارجاع پرونده از دفاتر خدمات قضایی یا کلانتری به معاون ارجاع دادسرا 2- ارجاع از کارتابل معاون ارجاع دادسرا به کارتابل معاون ارجاع شورای حل اختلاف با عنوان ایجاد صلح و

سازش 3- ارجاع از معاون ارجاع شورای حل اختلاف به یکی از شعب شورای حل اختلاف 4- ثبت پرونده در شعبه شورای حل اختلاف با طرح موضوع صلح و سازش و شروع فرایند رسیدگی توسط شورای حل اختلاف 5- ارسال فایل الکترونیکی مستندات پرداخت بیمه به حساب کاربری شرکت بیمه طرف قرارداد از طریق سامانه ثنا (مستندات بیمه شامل گزارش اصلاحی، تصویر شکایت گزارش مرجع انتظامی، نظریه کارشناس تصادفات پلیس راهور، گواهی پزشکی قانونی و سایر مستندات لازم می‌باشد) 6- ابلاغ نظر کارشناس تصادفات پلیس راهور به طرفین و در صورت اعتراض ارجاع به هیات عالی تصادفات یا هیات کارشناسان و در نهایت پس از خاتمه طول درمان و تشخیص قطعی مقصر صدور گزارش اصلاحی. 6- انعکاس کلیه فرایندهای رسیدگی به پرونده در سمپ اعم از: استعلام اصالت بیمه نامه، دعوت از نماینده بیمه در جلسات رسیدگی، ارسال مکاتبات به پزشکی قانونی، اخذ نظریه کارشناس، دعوت شاکی به پزشکی قانونی، ابلاغ نظریه کارشناس به طرفین. . . در نهایت صدور گزارش اصلاحی (در قالب اعلام صلح و سازش به مرجع صلاحیتدار) و با نظر موافق نماینده شرکت بیمه و انعکاس میزان دیات و تصمیم نهایی در متن تصمیم و احتساب آن به وسیله شعبه و معرفی شاکی به بیمه و مختومه نمودن پرونده. پس از اخذ دیه از بیمه پرونده با اخذ رضایت نامه از شاکی از طریق ثبت ارجاع پرونده به دادسرا جهت صدور قرار موقوفی تعقیب در مورد صدمات و قرار تعلیق تعقیب در مورد جنبه عمومی بزه انجام خواهد شد.

از جمله نکات قابل توجه این ماده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- با تصویب این شیوه نامه جرایم غیر عمد موجب دیه به دادسرا نرفته و در واقع رسیدگی به آن مستقیماً در شورای حل اختلاف به عنوان یک مرجع غیر رسمی و در یک فرایند اداری و نه قضایی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر رسیدگی در شورا بدون رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی کیفری از جمله احضار و جلب و صدور قرار تامین انجام می‌شود.
- بلافاصله با ارجاع پرونده به شورا مدارک لازم جهت پرداخت دیه به شرکت بیمه ارسال و دیه متعلقه در اسرع وقت پرداخت و خسارت بزه دیده سریعاً جبران می‌گردد.
- با توجه به عدم صلاحیت شورا در صدور حکم در موضوع، با صدور گزارش اصلاحی پرونده به دادسرا ارسال و دادسرا با صدور قرار موقوفی تعقیب در مورد دیه و تعلیق تعقیب در مورد جنب عمومی بزه پرونده مختومه می‌گردد.
- نکته قابل توجه اینکه با صدور قرار تعلیق تعقیب، مرتکب بیش از پیش مراقب رفتارهای مخاطره آمیز خود بوده و بدین نحو نوعی پیشگیری از تکرار وقوع بزه نیز صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد می‌توان با الگو برداری از مدل ارائه شده در مورد پرونده‌های تصادفات، با تشکیل یک مرجع غیر قضایی و حتی خارج از شورای حل اختلاف، با محوریت پزشکی قانونی به عنوان مرجع تعیین کننده میزان دیه متعلقه و عضویت موردی پلیس راهور، نماینده اداره کار و نماینده هیات‌های انتظامی پزشکی و کمیته‌های انتظامی ورزشی و همراهی شرکت‌های بیمه و صندوق تامین خسارت‌های بدنی از ارسال کلیه پرونده‌های جرایم غیر عمد موجب دیه به دادسرا و محاکم کیفری جلوگیری نمود.

### نتیجه گیری

در حال حاضر از حیث مراجع رسیدگی کننده (مراجع پاسخ دهی) و همچنین ضوابط ناظر بر رسیدگی، صدور رای و اجرای آن، سیاست جنایی ایران در جرایم غیر عمد موجب دیه به صورت خاص و افتراقی نبوده و همانند سایر جرایم عمدی توسط مراجع رسمی (دادسرا و دادگاه‌های کیفری) انجام می‌پذیرد. این درحالی است که دیه در نظام کیفری اسلام بیشتر با ماهیت غیر کیفری در زیر موضوع ضمان یا مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در حقوق اسلام نظام جبران خسارت‌های مادی را در قواعد اتلاف، تسبیب و غصب و ضوابط جبران خسارت بدنی نیز با عنوانهای دیه، ارش و غیره مطرح شده است. از سوی دیگر ضرورت مشارکت نهادهای مدنی در رسیدگی به جرایم غیر عمد با موضوع دیه احساس می‌گردد زیرا اصولاً از حیث ماهیت رفتار (بزه) اطلاق عنوان جرم بر اینگونه رفتارها به لحاظ عدم وجود رکن معنوی بزه صحیح بنظر نمی‌رسد و هرچند که رفتارهای منجر به ایراد آسیب‌های بدنی غیر عمد به نوعی در مخالفت آشکار با هنجارهای اجتماعی به وقوع می‌پیوندد لکن به نظر می‌رسد انتخاب عنوان انحراف بر اینگونه رفتارها از حیث مفاهیم بیان شده در دانش سیاست جنایی تطابق بیشتری با رفتار واقع شده خواهد داشت. از این رو ضروری است تا با استفاده از ظرفیت بالفعل موجود در مراجع غیر رسمی، تعقیب و رسیدگی به این قسم از انحرافات به شکلی افتراقی و به دور از ضوابط و مقررات جاری در مورد سایر جرایم انجام پذیرد که یکی از مصادیق سیاست جنایی افتراقی در مرحله رسیدگی به پرونده باج‌گزینی نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به موضوع به جای کنشگران رسمی آن (دادگاه) و به عبارت دیگر تدوین سیاست جنایی مشارکتی کارآمد در موضوع می‌باشد. برخی از بایسته‌ها این باور عبارتند از اجتناب از برچسب زنی، کاهش هزینه‌ها، کاهش اطاله دادرسی، استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی در حل و فصل اختلافات، حرکت به سمت

رویکرد ترمیمی در رسیدگی به بزه، جرم زدایی و قضا زدایی و... هرچند گفته شده موانع زیادی پیش روی مشارکت نهادهای غیر دولتی با دولت در فرایند رسیدگی به پرونده‌های کیفری قرار دارد لکن به نظر می‌رسد دو مانع اصلی، عدم وجود زیر ساخت‌های قانونی مناسب و مقاومت احتمالی مقامات سیاسی و حاکمیتی در راستای عینیت یافتن مشارکت نهادهای جامعه‌ی در رسیدگی به پرونده‌های با موضوع جرایم غیر عمد موجب دیه می‌باشد.

### فهرست منابع:

#### کتاب فارسی و عربی:

- ایروانی، باقر، (1427 ه ق)، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، جلد سوم، چاپ دوم. قم: بی نا
- ایروانیان، امیر، (1392)، نظریه عمومی سیاستگذاری جنایی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران: بی نا
- بادینی، حسن، (1392)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- بابائی، ایرج، (1389)، حقوق بیمه، چاپ نهم، پاییز، تهران: انتشارات سمت
- بزرگمهر، امیرعباس (1394) قوانین مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
- زراعت، عباس، (1381)، شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، جلد اول، انتشارات ققنوس، تهران: چاپ سوم
- جمشیدی، علیرضا، (1390)، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (1381). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- شعرانی، ابو الحسن، (1419 ه ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین - ترجمه و شرح، جلد 2، چاپ پنجم، تهران: منشورات اسلامی
- شوشتری، محمد تقی، (1406) النجعة فی شرح اللمعة، جلد 11، چاپ اول، تهران: کتابفروشی صدوق
- شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، (1427) دیدگاه‌های نو در حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
- شیری، عباس، (1397)، عدالت ترمیمی، تهران: میزان.

لازرژی، کریستین، برگردان علی نجفی ابرندآبادی، (1392)، در آمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.

قرشی، سید علی اکبر، (1412 ه ق)، قاموس قرآن، جلد 7، دارالکتب الإسلامیة، تهران: چاپ ششم

کونانی، سلمان، انصاری، جمال، مندی، (1391)، اسلام، سیاست جنایی از گفتمان تا بر ساخت‌های ریز و میک شده، 1391، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد

گودرزی، فرامرز ومهرزاد کیانی، (1386)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت

گلدوست جویباری رجبعلی، (1396)، آیین دادرسی کیفری، چاپ نهم، تهران: انتشارات جنگل. گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، (1428 ه ق)، استفتاءات (بهجت)، جلد 4، قم - ایران:

دفتر حضرت آیه الله بهجت

مارشال، تنی، (1384)، عدالت ترمیمی، مترجم سماواتی پیروز، امیر، مجموعه مقالات ترمیمی، تهران: انتشارات جلیلیان.

مایز، مایکل، (1384)، اهداف عدالت ترمیمی، مترجم سماواتی پیروز، امیر، مجموعه مقالات ترمیمی، تهران: انتشارات جلیلیان

مصدق، محمد (1392)، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جنگل میانجی، علی احمدی، (1424) مالکیت خصوصی در اسلام، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر نیازپور، امیر حسین، (1392) توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (1404 ه ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد 43، چاپ هفتم، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی

### مقاله و پایان نامه:

بریت، ویت، جان، (1385)، عدالت ترمیمی، مترجم رایچیان اصلی، مهرداد، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، «شماره 43»

زید شفیعی، مونا (1386)، جایگاه میانجیگری در عدالت کیفری غیر رسمی، دو فصلنامه علوم جنایی شماره 2

صادقی، محمد هادی (1384)، قضا زدایی در حقوق جزای اسلامی، نشریه الهیات و حقوق، بهار و تابستان 1384 - شماره 15 و 1  
صیدی، شیما (1389)، رساله کارشناسی ارشد با موضوع غیر دولتی شدن حقوق کیفری با نگاهی ویژه به حقوق کیفری ایران، دانشگاه اصفهان  
محمد رضا خانی، معصومه (1390)، رساله کارشناسی ارشد با موضوع عدالت ترمیمی و جلوه‌های آن در فقه اسلامی و حقوق موضوعه، دانشگاه فدوسی مشهد.